



پژوهشکده شورای نگهبان

اصول قانون اساسی

دربرتونظرات شورای نگهبان

عنوان

اصل نود و هشتم

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۴۳

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲



یژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان

اصل نود و هشتم

تدوین:

محمد فتحی

ناظر علمی:

کاظم کوهی

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۴۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲



فهرست مطالب

- اصل نود و هشتم ۲
- ۱- نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی ۲
- ۱-۱. طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی ۲
- ۱-۲. لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» ۳
- ۱-۳. طرح تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور ۶
- ۲- نظرات شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران ۶
- ۳- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان ۶
- ۱-۳. نظریه تفسیری در پاسخ به استفسار رئیس‌جمهور نسبت به اثر قوانین تفسیری بر حقوق و شرایط ایجاد شده برای اشخاص طبق قوانین اولیه ۶
- ۴- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی ۹
- ۱-۴. استعلام رئیس اداره حقوقی دادگستری نسبت به تفسیری بودن برخی از نظریات ابرازی شورای نگهبان در ارتباط با قانون اساسی ۹
- ۲-۴. استعلام معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نسبت به امکان نقض قوانین دائم توسط قوانین بودجه سالانه ۱۰
- ۳-۴. استعلام وزیر نیرو نسبت به تسری یا عدم تسری تفسیر قانون به موضوعات مختومه شده ۱۳
- ۴-۴. استفسار مدیر کل حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور نسبت به مفاد اصل ۱۴۱ قانون اساسی ۱۴
- ۵- تذکرهای ارشادی و قانونی شورای نگهبان ۱۶
- ۱-۵. تذکر به شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص مرجعیت شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی، از جمله اصل ۲۴ ۱۶

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

۱- نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

۱-۱- نظر شماره ۹۷۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ شورای نگهبان در خصوص طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی

۱-۱-۱- مستفاد از اصل ۹۸ قانون اساسی این است که در موارد اختلاف نظر در مفاد قانون اساسی چنانچه در اثر اختلاف نظر در مفاد اصلی از اصول برای مقامات و اشخاصی که در ارتباط با آن می‌باشند، بنیست عملی ایجاد شده باشد به طوری که رفع بنیست متوقف بر کسب نظر مستقیم از شورای نگهبان باشد، شورای نگهبان در صورت تشخیص اجمال اصل، آن را تفسیر می‌نماید ولی اگر موضوع مورد اختلاف در مسیر بررسی و تصویب مجلس شورای اسلامی و مآلاً شورای نگهبان باشد، تقاضای تفسیر از سوی یک یا جمعی از نمایندگان یا افراد و مقامات دیگر مورد ندارد، هر یک از نمایندگان طبق برداشت خود از قانون اساسی رأی می‌دهد و یا هیئت دولت لایحه مورد نظر را مطابق برداشت خود از قانون اساسی تنظیم می‌نماید و سرانجام چنانچه لایحه یا طرح تصویب شد، شورای نگهبان نظر خود را اعلام می‌دارد.

در مواردی که تفسیر به عنوان الغاء خصوصیت و یا توسعه و تضییق موضوع مذکور در اصلی از اصول قانون اساسی باشد، در صورتی که احتیاج مبرم کشور به تفسیر احساس شود، و شورای نگهبان این احتیاج را تشخیص داد، اصل مورد نظر را تفسیر خواهد نمود.

بنابراین طرح قانونی مرقوم که به طور مطلق اشعار می‌دارد هر وقت هر نماینده‌ای به هرگونه تفسیر اصلی را خواست می‌تواند از طریق رئیس مجلس از شورای نگهبان بخواهد و شورا را مکلف نموده در مدت معینی پاسخ تفسیری دهد، مغایر قانون اساسی است.^(۱)

۱. ماده واحده- در اجرای اصل نود و هشتم قانون اساسی هر کدام از نمایندگان حق دارد از طریق

۱-۲. نظر شماره ۲۹۴۴/۳۰/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۲/۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی

۱-۲-۱- ماده یک: (۱)

الف - ...

د- شمول دستگاه‌های حکومتی در مورد خبرگان رهبری و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای داده است نسبت به تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و مسئولیت، خلاف اصول مربوط قانون اساسی من جمله ۷۱، ۷۳، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۵۶ شناخته شد.

ه- عموم عبارت کلیه دستگاه‌ها شامل دستگاهی می‌شود که در قانون اساسی مرجع تشخیص مغایرت با اصول قانون اساسی تعیین شده است؛ لذا از این جهت، مغایر اصول ۹۴ و ۹۶، ۹۸ قانون اساسی شناخته شد.

→

رئیس مجلس تقاضای تفسیر هر یک از اصول قانون اساسی را بنماید. رئیس مجلس پس از اعلام وصول این تقاضا در اولین جلسه علنی بلافاصله آن را به شورای نگهبان منعکس می‌نماید. شورای نگهبان حداکثر ظرف مدت یک ماه تفسیر اصل یا اصول مزبور را رسماً به مجلس اعلام می‌نماید. متن پاسخ بلافاصله طبع و توزیع و بدون مذاکره در اولین جلسه علنی توسط رئیس یا یکی از منشی‌ها قرائت می‌گردد.

تبصره- شورای نگهبان رونوشتی از تفسیر اصول قانون اساسی را که بنا به درخواست قوه مجریه و قوه قضائیه به عمل می‌آید به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌دارد. رئیس مجلس پس از دریافت تفسیر به ترتیبی که در ماده فوق بیان شد، آن را در اختیار مجلس خواهد گذاشت.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این طرح، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل هفتاد و یکم، شماره ۱-۸-۱.

... چون تبصره ذیل این ماده مبتنی بر مفاد ماده مذکور است با توجه به ایرادات وارده بر آن باید اصلاح شود؛ سپس اظهار نظر خواهد شد.

۱-۲-۲- ماده دو:^(۱)

الف- صدور دستور توقف در خصوص تصمیمات و اقداماتی که مطابق قانون اساسی مسئول مشخص دارد، خلاف اصول متعدد قانون اساسی من جمله اصول ۷۱، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۶، ۱۱۲ و ۱۷۵ شناخته شد.

و نیز عبارت «هر یک از قوا و نهادهای حکومتی» همان ایرادات شرعی و قانون اساسی جزءهای «الف»، «ب»، «د»، «ه» بند (۱) [= ایراد مذکور در بند ۱-۲-۱] را دارد.

۱-۲-۳- تبصره یک ماده دو:^(۲)

الف- چون مستفاد از اصول قانون اساسی این است که رسیدگی قضایی در تمام مراحل از ابتدا تا قطعیت حکم به عهده قوه قضائیه و محاکم دادگستری می باشد و ورود رئیس جمهور در پرونده های قضایی و احکام صادره، از این جهت مغایر اصول ۳۶، ۱۵۶، ۱۵۹ قانون اساسی شناخته شد و الزام قوه قضائیه و محاکم و قضات به رسیدگی، به صرف درخواست رئیس جمهور، دخالت در امر قضاء و موجب اختلال در وظایف و اختیاراتی است که به نص قانون اساسی بر عهده این قوه نهاده شده است؛ از این جهت نیز مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد. ضمناً چون درخواست مذکور موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی می گردد، همان ایراد مربوط به قوه قضائیه، موضوع جزء (الف) بند (۳) [= ایراد مذکور در بند ۱-۲-۱] را دارد.

۱-۲-۴- تبصره دو ماده دو:^(۳)

الف- ...

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل هفتاد و یکم، شماره ۱-۸-۲.

۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه ذیل اصل هفتاد و یکم، شماره ۱-۸-۳.

۳. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه ذیل اصل هفتاد و یکم، شماره ۱-۸-۴.

ب- مفاد و مفهوم این تبصره همان ایرادات جزءهای (د) ... بند (۱) [= ایراد مذکور در بند ۱-۲-۱] ... را دارد؛ پس از رفع اشکال، اظهار نظر خواهد شد.
 ۱-۲-۵- ماده سه:^(۱)

الف- این ماده ایرادات جزءهای (الف)، (ب)، (د)، (ه) بند (۱) [= ایراد مذکور در بند ۱-۲-۱] و بندهای (۳) [= ایراد مذکور در بند ۱-۲-۱] و ... را دارد.

۱-۲-۶- عموم و اطلاق ماده (۲) و تبصره (۱) آن و ماده (۳) موجب معتبر دانستن برداشت رئیس جمهور از قانون اساسی در موارد اختلاف است؛ لذا از این جهت، مغایر اصل ۹۸ قانون اساسی شناخته شد.^(۲)

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه ذیل اصل هفتاد و یکم، شماره ۱-۸-۵.

۲. ماده ۲- ماده (۱۴) به شرح زیر اصلاح و سه تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۴- در صورت توقف، نقض یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، رئیس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می‌نماید و برای این منظور می‌تواند ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام‌شده برخلاف قانون اساسی، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است در اسرع وقت مناسب، حداکثر ظرف مدت دو ماه پاسخ خود را مشروحاً و با ذکر دلیل به اطلاع رئیس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی و تشخیص رئیس جمهور، توقف یا نقض یا عدم اجرا همچنان ثابت باشد، رئیس جمهور نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف، اقدام لازم را معمول و از جمله دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام‌شده بر خلاف قانون اساسی را صادر می‌نماید و پرونده امر را برای تعقیب متخلف، به مراجع صالح اداری و قضایی ارسال می‌دارد. متخلف برای بار اول به یک تا سه سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

تبصره ۱- رئیس جمهور اگر رأی قضایی را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد، نقض رأی مذکور را از دیوان عالی کشور درخواست می‌نماید. این درخواست موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی تا پایان رسیدگی می‌شود.

رئیس قوه قضائیه مکلف است شعبه‌ای خاص در دیوان عالی کشور متشکل از یک رئیس و دو مستشار که دارای پایه یازده قضایی باشند را برای رسیدگی به این درخواست تشکیل دهد. اعضاء این شعبه به انتخاب هیئت عمومی دیوان عالی کشور و با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. رسیدگی به درخواست رئیس جمهور توسط قضات شعبه مزبور انجام و نظر اکثریت ملاک عمل خواهد بود. هنگام رسیدگی هیئتی مرکب از سه حقوقدان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوقدان به انتخاب هیئت وزیران در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارائه خواهند

۳-۱. نظر شماره ۳۸۱۹۹/۳۰/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۵ شورای نگهبان در خصوص طرح تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی
 ۳-۱- بند (د) ماده (۸)،^(۱) مغایر اصول ۹۱ تا ۹۸ قانون اساسی شناخته شد.

۲- نظرات شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران

۳- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

۳-۱. نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به اثر قوانین تفسیری بر حقوق و شرایط ایجاد شده برای اشخاص طبق قوانین اولیه

شماره: ۷۸۱۰۸

تاریخ: ۱۳۷۳/۱۲/۲۲

شورای محترم نگهبان

همان‌گونه که عنایت دارند مطابق اصل ۷۳ قانون اساسی، قوانین عادی در موارد ابهام و اجمال، تفسیر می‌شوند؛ مع‌هذا نظر به اینکه اصولاً در اکثر قریب به تمامی موارد، بین وضع قانون و تفسیر آن فاصله زمانی وجود دارد و در این مدت با اجرای قانون اصلی، برای اشخاص، حقوقی ایجاد می‌شود و در بسیار از اوقات نیز این حقوق به غیر، منتقل و یا به ارث می‌رسد، مضافاً اینکه اجرای قوانین مزبور در موارد معتنا بهی مستلزم ارجاع

→

نمود. در صورت نقض رأی از سوی شعبه مزبور، پرونده جهت رسیدگی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌شود و آن مرجع مکلف به تبعیت از نظر شعبه خاص دیوان عالی کشور خواهد بود.

تبصره ۲- ...

ماده ۳- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۵- به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند در صورت احراز تخلف به هر یک از قوای مقننه و قضائیه و مجریه و نهادهای حکومتی تذکر و اخطار دهد. ترتیب اثر ندادن به تذکر و اخطار رئیس جمهور، می‌تواند به اقدامات مذکور در ماده (۱۴) این قانون و تبصره (۱) آن منجر شود.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل نود و یکم، شماره ۱-۷-۱.

امر به قوانین دیگر نیز هست (کما اینکه هزینه اعتبار طرح‌ها که موضوع قانون بودجه است در بسیاری از موارد ملازمه با پرداخت حقوق کارگر یا خرید اجناس دارد و این امر براساس قوانین کار و مدنی، حقوقی را برای طرف، ایجاد می‌کند) و در نتیجه بر حسب قوانین مرتبط با یکدیگر و در پی اجرای آنها پیچیدگی‌های زیادی در امور مردم به وجود می‌آید. با توجه به این پیچیدگی‌ها هنگامی که تفسیر مؤخر انجام می‌یابد این سؤال مطرح می‌شود که مطابق اصول کلی آیا تفسیر قانون به لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن تا چه حد باید و می‌تواند عطف به گذشته شود و حقوق ایجاد شده را متغی نماید و یا کدام دسته از حقوق و آثار را می‌تواند نادیده بگیرد؟

به عنوان مثال به موجب قانونی که تحت عنوان اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته دولت در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس رسید دولت اجازه یافت تعدادی از بازنشستگان را اعاده به خدمت نماید.

در سال ۱۳۶۶ نیز قانون تعدیل نیروی انسانی تصویب شد و در آن دولت اجازه یافت افراد بازنشسته را به صورت موقت به خدمت بگیرد. از آن پس دولت به دو صورت زیر عمل کرده است:

الف- اعاده به خدمت تعدادی از بازنشستگان متخصص به استناد قانون مصوب سال ۱۳۶۱.

ب- تصویب اشتغال موقت برخی از بازنشستگان به استناد ماده (۸) قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۶.

قابل ذکر است که مصوبات اعاده به خدمت دولت در فاصله دی‌ماه ۱۳۶۶ تا خرداد ۱۳۷۳ که بالغ بر (۴۶) تصویب‌نامه و ناظر به تعداد (۱۳۰) نفر است نیز مورد ایراد ریاست محترم جمهوری وقت به استناد اصل ۱۲۶ و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به استناد اصل ۱۳۸ قرار نگرفته است.

در سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تفسیر ماده (۸) قانون تعدیل نیروی انسانی مقرر داشت: «ممنوعیت اشتغال به کار بازنشستگان موضوع ماده (۸) قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی شامل اعاده به خدمت بازنشستگان نیز می‌گردد.» اکنون اگر قانون تفسیر فوق‌الذکر (مصوب ۱۳۷۳) در این قضیه، عطف به ماسبق گردد و شامل افرادی هم بشود که در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ اعاده به خدمت شده‌اند و مسئولیت‌های مختلفی را ایفا کرده و تعدادی از آنها تصمیمات مهم مالی و

اداری فراوانی گرفته‌اند موجب می‌شود حقوق ایشان و حقوق دیگر اشخاص و حق کلیه اموری که براساس تصمیمات ایشان محقق شده است (از جمله معاملات و عقود) که با تجویز آنان صورت گرفته است) محل اشکال قرار گیرد؛ زیرا در قانون تفسیر، مقرر شده است که افراد مزبور، ممنوعیت از اشتغال داشته‌اند و علی‌القاعده بر امر ممنوع، آثار امر مجاز نباید مترتب شود.

اشاره به این نکته بجاست که با توجه به قواعد و اصول حقوق اداری، امور و حقوق مزبور براساس فهم مجری از قانون حاکم در زمان خود ایجاد شده است، به ویژه آنکه تفسیر، علی‌الاصول در مواردی صورت می‌گیرد که قانون، مشتمل بر چند معنی است و اتخاذ هر یک از آنها قبل از تغییر مرجع ذی‌صلاح، مغایر با قانون اصلی نمی‌باشد و همان‌طور که در بالا یادآوری شد در موضوع مطروحه، ریاست محترم جمهوری وقت و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نیز اعلام مغایرت مصوبات را با قانون اعلام نداشته‌اند.

با عنایت به آنچه گذشت خواهشمند است با توجه به اصول ۷۳ و ۹۸ قانون اساسی نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان را در مورد اینکه آیا با قوانین تفسیری می‌توان حقوق و شرایطی را که طبق قوانین اولیه برای اشخاص ایجاد شده است خصوصاً در موارد زیر به طور یک‌جانبه زایل نمود، اعلام فرمایند:

- ۱- هنگامی که قانون تفسیری جدید، حوزه شمول قانون اصلی را توسعه می‌دهد به نحوی که برای افراد در زمان مقدم بر تصویب، تکالیفی ایجاد می‌نماید.
- ۲- تجدید یا تضييع حقوق استخدامی که در زمان گذشته برای افراد ایجاد شده است.
- ۳- تأثیر در عقود و معاملات گذشته و سایر تصمیماتی که برای اشخاص غیردولتی، حقوقی ایجاد کرده است.
- ۴- تسری مستقیم یا غیرمستقیم مقررات جزایی به فعل یا ترک فعلی که در گذشته انجام شده است.

رئیس جمهور

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۶/۲۱/۵۸۳

تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۱۰

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام، نامه شماره ۷۸۱۰۸ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۳/۷ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«۱- مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجرا است؛ بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد محتومه مذکور، تسری نمی‌یابد.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

۴- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی

۴-۱. نظر شماره ۱۱۵۸ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۶ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس اداره حقوقی دادگستری نسبت به تفسیری بودن برخی از نظریات ابرازی شورای نگهبان در ارتباط با قانون اساسی

شماره: ۷/۵۳۲۷

تاریخ: ۱۳۶۹/۸/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است اعلام فرمایید که نظریات ذیل با اکثریت ۴/۳ آراء اعضای محترم آن شورا اعلام گردیده و تفسیر قانون اساسی است یا خیر.

۱- نظریه شماره م/۴۳/۴۲۹-۵۹/۱۰/۸

۲- نظریه شماره م/۵۴-۵۹/۱۱/۸

۳- نظریه شماره ۱۳۸۴-۵۹/۱۲/۱۴

۴- نظریه شماره ۴۱۰۱-۵۹/۱۲/۷

۵- نظریه شماره ۸۳۲۴۰-۶۰/۱/۸

و نیز نظریاتی که در جواب به نامه‌های شماره ۸۵۱۱۴-۶۰/۸/۲ نخست‌وزیری، ۸۲۵۵-۵۹/۹/۱۲ شورای عالی قضایی، ۷۴۸۴۲-۵۹/۱۲/۷ نخست‌وزیری، ۷۵۲۸-۶۰/۴/۳ و ۷۱۴۵۰-۵۹/۱۲/۱۰ نخست‌وزیری و ۲۱۴۸۰-۶۰/۱۰/۲۶ نخست‌وزیری و ۸۰۳-ق-۶۰/۳/۲۴ مجلس شورای اسلامی اعلام گردیده است.

رئیس اداره حقوقی دادگستری

جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا شهری

شماره: ۱۱۵۸

تاریخ: ۱۳۶۹/۱۰/۶

ریاست محترم اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران
عطف به نامه شماره ۷/۵۳۲۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۹، «نظریه‌های عنوان‌شده در نامه مذکور، عنوان نظر تفسیری دارد و اصولاً نظریاتی که در ارتباط با قانون اساسی از سوی شورای نگهبان ابراز شده، در صورتی که تصریح نشده باشد که مشورتی است، طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام شده و تفسیری است.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

۴-۲. نظر شماره ۲۷۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نسبت به امکان نقض قوانین دائم توسط قوانین بودجه سالانه

شماره: ۳۰/۴۲۶۰۸

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۲۰

شورای محترم نگهبان

احتراماً ضمن آرزوی توفیق برای اعضاء محترم آن شورا به پیوست تصویر نامه شماره ۳۰/۳۶۷۵۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲^(۱) این سازمان به حضور ریاست محترم



شماره: ۳۰/۳۶۷۵۴

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۱/۱۲

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۳ با توجه به اهمیت و حساسیت فوق‌العاده و غیرقابل مقایسه با سایر زمینه‌های فنی و صنعتی دیگر در کشور، ماده (۲) قانون یادشده استقلال سازمان بدین‌گونه منظور شده است:

«سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و منحصرأ تابع مقررات این قانون و اساسنامه مربوط و آیین‌نامه‌های استخدامی و مالی و اداری مخصوص به خود می‌باشد...».

هنگام تدوین بودجه سال ۱۳۵۸ بر اساس تبصره (۳۷)، استقلال استخدامی و مالی سازمان، نقض و سازمان از نظر مقررات مالی تابع قانون محاسبات عمومی و از نظر مقررات استخدامی تابع قانون استخدام کشوری گردید. آن جناب به خوبی استحضار دارند که به موازات وضع تبصره (۳۷) قانون بودجه سال ۱۳۵۸ در مورد این سازمان، مقررات مشابهی برای چندین مؤسسه مستقل دولتی دیگر و دانشگاه‌ها وضع گردید، لکن با پیش‌بینی اثرات سوء اجرای این چنین مقرراتی، بسیاری از آنها اساساً به مورد اجراء نگذاشته و آن مؤسسات هم استقلال خود را کمافی‌السابق حفظ نمودند و در مورد دانشگاه‌ها هم تصویب قوانین جدید که همگی در جهت رفع تنگناهای مالی و استخدامی آنان بود، از جمله طرح تمام‌وقت دانشگاه‌ها و یا قانون استفاده از خدمات خارج از وقت اداری اعضاء هیئت علمی، نه تنها از این حیث متحمل خسارتی نشدند، بلکه حقوق افراد مشمول چند صد درصد ترمیم شده است. اما اقدامی که ظاهراً از سر دلسوزی و رفع تبعیض بین دستگاه‌های دولتی صورت گرفته آن چنان ضربه کاری به این سازمان و صنعت نوپای هسته‌ای در این کشور وارد آورد که جبران آن به سهولت و در مدت محدود میسر نمی‌باشد.

همان‌گونه که جناب‌عالی نیز وقوف کامل دارند در سال‌های اخیر روز به روز بر اهمیت صنعت هسته‌ای به خصوص سازمان انرژی اتمی ایران و اهداف متنوع آن افزوده شده است و همواره کوچک‌ترین فعالیت آن به طور موشکافانه زیر نظر کنکاش دوست و دشمن قرار دارد. به همین جهت سطح انتظارات دولت و مردم نیز به طور قابل ملاحظه‌ای بالا رفته است. اما معلوم نیست چگونه باید از سازمان دست و پا بسته‌ای که با تبصره‌ای شالوده‌های آن سست شده انتظار داشت همپای سازمان‌ها و تشکیلات معظم هسته‌ای بین‌المللی حرکت نماید. تناقض موجود بین اهداف مندرج در قانون تأسیس سازمان و مفاد تبصره (۳۷) منجر به آن گردید که هیئت محترم وزیران در جلسه مورخ ۶۷/۲/۴ خود لایحه لغو تبصره (۳۷) قانون بودجه سال ۱۳۵۸ را تصویب و از مجلس شورای اسلامی تقاضای تصویب آن را نماید. کلیات این لایحه به تصویب رسید و برای بررسی در جزئیات به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع شد که تاکنون شور دوم آن در جلسه علنی آغاز نگردیده است.

با توجه به نظر شورای محترم نگهبان که چندین سال است اجراء می‌شود، تبصره‌های بودجه نمی‌تواند ناقض قانون اصلی هر دستگاه باشد. بنابراین تبصره (۳۷) قانون بودجه سال ۱۳۵۸ فاقد وجهت قانونی به نظر می‌رسد. علی‌هذا با عنایت به نظر یادشده شورای محترم نگهبان و در صورت موافقت آن جناب،



جمهوری اسلامی ایران را که جهت اظهار نظر به آن شورای محترم ارسال گردیده است، تقدیم می‌نماید.

همان‌طور که در نامه مزبور معروض شده، این سازمان به دلیل تصویب تبصره (۳۷) قانون بودجه سال ۱۳۵۸، مواجه با تنگناهای مالی و استخدامی عدیده‌ای گردیده است که با طبع کار سازمان سازگار نیستند و موجب شده‌اند که سازمان نتواند به اهداف منعکس در قانون تأسیس خود صورت تحقق ببخشد. تنگناهای مالی و مشکلات نگهداری و جذب نیروهای متخصص به‌گونه‌ای است که اجرای بهینه و به موقع اکثر طرح‌های تحقیقاتی و اجرایی سازمان را به مخاطره انداخته است.

همان‌طور که مستحضرنند آن شورای محترم در خصوص بودجه سال ۱۳۶۴ نظری ابراز کردند که به موجب آن تبصره‌های بودجه نمی‌تواند ناقض قانون اصلی دستگاه‌های دولتی باشد. به نظر این سازمان، تبصره (۳۷) قانون بودجه سال ۱۳۵۸، با توجه به این نظر شورا، وجاهت قانونی ندارد و مانع آن است که سازمان بتواند قانون خاص خود را به مورد اجراء درآورد. خواهشمند است اظهار نظر فرمایند آیا نظر تفسیری مورخ ۱۳۶۴ آن شورای محترم، با عنایت به اصل ۵۲ قانون اساسی، در مورد قانون بودجه سال ۱۳۵۸ نیز قابل تسری بوده و در نتیجه تبصره (۳۷) قانون مزبور می‌تواند در مقابل قانون خاص این سازمان قابل اجراء تلقی شود یا خیر؟^(۱)

رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس

سازمان انرژی اتمی ایران

→

اجازه می‌خواهد این سازمان از این پس منحصرأ قانون خاص خود را اجراء نماید.

رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس

سازمان انرژی اتمی ایران

۱. لازم به ذکر است که دفتر رئیس جمهور نامه مذکور را طی نامه‌ای به شماره ۶۱۷۱۳ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲ همراه با پی‌نوشت ریاست جمهوری که مرقوم نموده بود: «شورای محترم نگهبان لطفاً نظر بدهید» به شورای نگهبان ارسال نمود و دبیرخانه شورا طی نامه‌ای به شماره ۲۴۵۲ مورخ ۷۰/۱۱/۱۵ در پاسخ نوشت: «در خصوص استقلال سازمان انرژی اتمی چون موردی برای اظهار نظر شورای نگهبان در این خصوص وجود ندارد، باید منتظر تصویب لایحه مطروحه در مجلس ماند.»

شماره: ۲۷۶۱

تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۲۸

جناب آقای مهندس رضا امراللهی

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی

عطف به نامه شماره ۳۰/۴۲۶۰۸ مورخ ۷۰/۱۲/۲۰، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی اعضای شورا قرار گرفت، اعضاء حاضر در جلسه متفقاً نظرشان بر این بود که:

«شورای نگهبان در خصوص مغایر بودن تبصره‌های بودجه با قانون اصلی دستگاه‌های دولتی، نظر تفسیری ابراز نداشته و اگر منظور نظریه مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ شورا در خصوص تعدادی از تبصره‌های بودجه سال ۱۳۶۴ است، نظر مزبور، نظر تفسیری نبوده و صرفاً در مورد خودش یعنی لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ کاربرد دارد و به هر حال قابل تسری به قوانین قبلی نیست. حل مشکل مطرح شده در نامه فوق‌الذکر از طریق مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون امکان‌پذیر است و در محدوده اختیارات شورای نگهبان نیست.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان

حسین مهرپور

۳-۴. نظر شماره ۷۹/۲۱/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام وزیر نیرو و نسبت به تسری یا عدم تسری تفسیر قانون به موضوعات مختمه شده

شماره: ۱۸۴۴۸/۴۰/۱۰۰

تاریخ: ۱۳۷۹/۳/۳۰

حضرت آیت‌الله جناب آقای جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیت

همان‌گونه که استحضار دارید شورای محترم نگهبان طی نظریه شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳

مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ در خصوص تفسیر قوانین چنین اعلام نظر فرموده‌اند:

۱- ...

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجرا است؛ بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور تسری ندارد.

استنباط این وزارت از توضیح قسمت اخیر نظریه تفسیری آن شورای محترم این است که چنانچه موضوعی مختومه نشده، بلکه بعد از تفسیر قانون به اجراء در می‌آید و امکان استفاده از نظریه تفسیری نسبت به مورد وجود دارد، اولی تبعیت از نظریه تفسیری است؛ زیرا با انجام تفسیر معنای واقعی و حقیقت هدف قانون‌گذار برای مجریان روشن و ابهامات و شبهاتی که در استنباط از آن وجود داشته زائل می‌گردد؛ لذا مستدعی است نظریه شورای محترم نگهبان را در این خصوص به این وزارت ابلاغ فرمایید.

حبیب‌الله بیطرف

وزیر نیرو

شماره: ۷۹/۲۱/۱۵۴۰

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۰

جناب آقای مهندس بیطرف

وزیر محترم نیرو

عطف به نامه شماره ۱۸۴۴۸/۴۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۳۰ مبنی بر تقاضای ارائه توضیح نسبت به نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰، بدین وسیله اعلام می‌گردد:

«همان‌طوری که در نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ آمده است که تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجراء است با این قید که به موارد مختومه تسری نمی‌یابد، بنابراین چنانچه تا هنگام لازم‌الاجراء شدن تفسیر قانون، موضوعی مختومه نشده باشد باید مطابق نظریه تفسیری اقدام گردد.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

۴-۴. نظر شماره ۸۰/۲۱/۲۵۳۴ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به

استفسار مدیر کل حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور نسبت به مفاد اصل ۱۴۱ قانون اساسی

شماره: ۲/۲۰۱/۴۶۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۷

حضرت آیت الله جنتی «دام عزه»

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیات الهی

خواهشمند است با توجه به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی نظریه

تفسیری آن شورای محترم را در خصوص موارد ذیل اعلام فرمایید:

الف) با توجه به اینکه در صدر اصل مرقوم «معاونان وزرا، استانداران و برخی مقامات دولتی» ذکر نشده‌اند، آیا در این گونه «مقامات» در زمره کارکنان دولت بوده و از کارمندان دولت محسوب می‌شوند؟ و به عبارتی در صورتی که معاون وزیر از بین اشخاصی غیر از کارکنان دولت به این سِمَت منصوب شود، آیا ممنوعیت داشتن دو شغل، ناظر به وی نیز می‌باشد یا خیر؟

ب) منظور از «تعاونی ادارات و مؤسسات» در ذیل اصل مارالذکر چیست؟ آیا شامل همه تعاونی‌هایی می‌شود که کارکنان دولت در آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند و یا فقط شامل تعاونی‌هایی می‌شود که دستگاه‌های دولتی به منظور رفاه پرسنل خود به موجب قوانین استخدامی مکلف به ایجاد آن می‌باشند (مثل تعاونی مصرف موضوع ماده ۵۲ قانون استخدام کشور)؟

ج) آیا منظور از سِمَت آموزشی در شقّ اخیر اصل مرقوم، اعضای هیئت علمی و مدرسان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی بدون سمت اداری نظیر رئیس دانشکده، مدیر گروه و ... می‌باشند یا مدرسانی با وصف دیگر؟
اعلام نتیجه موجب امتنان است.

فتح اله رحیمی

مدیر کل حقوقی و امور مجلس

دیوان محاسبات کشور

شماره: ۸۰/۲۱/۲۵۳۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۱۴

جناب آقای رحیمی

مدیر کل محترم حقوقی و امور مجلس دیوان محاسبات کشور

با سلام

احتراماً عطف به نامه شماره ۲/۲۰۱/۴۶۴ مورخ ۸۰/۸/۷، بدین وسیله اعلام می‌دارد با توجه به آیین‌نامه داخلی شورای محترم نگهبان، درخواست تفسیر اصول قانون اساسی می‌بایست از سوی سران سه قوه صورت بگیرد که بدین ترتیب رسیدگی به سؤالات جناب‌عالی مقدور نمی‌باشد.

توفیقات جناب‌عالی را از خداوند متعال خواستارم.

رئیس دفتر دبیر شورای نگهبان

رضا بیگناه

۵- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان

۱-۵. تذکر شماره ۷۹/۲۱/۸۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳ شورای نگهبان به شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص مرجعیت شورای نگهبان در تفسیر اصول قانون اساسی، از جمله اصل ۲۴

شماره: ۷۹/۲۱/۸۹۲

تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۳

ریاست محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی

با سلام

با توجه به نامه شماره ۱۸۱۳/د/ش مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۵ دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر ارائه متنی به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تفسیر اصل ۲۴ قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۶/۲۳ شورای نگهبان مطرح شد و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«مطابق اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر هر یک از اصول آن، انحصاراً بر عهده شورای نگهبان است و هیچ مرجع دیگری حق تفسیر هیچ‌یک از اصول قانون اساسی را ندارد.»

لذا مقتضی است دستور فرمایند موضوع در دستور کار قرار نگرفته و اقدامی
ناسازگار با قانون اساسی به عمل نیاید.

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را اِلا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطرو و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir